

به نام خداوند بخشنده مهربان

کیوتوف و افعوف

برنده دیپلم افتخار نخستین جشنواره کتاب سال رضوی (۱۳۸۴)

سید احمد میرزاده



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
ردیبندی دیوبنی
شماره کتابشناسی ملی

: میرزاده، سیداحمد
: کبوترها و آهوها / سیداحمد میرزاده؛ تصویرگر نیلوفر میرمحمدی.
: مشهد؛ بهنشر (انتشارات استان قدس رضوی)، کتابهای پروانه، ۱۳۹۴.
: ۳۲ ص؛ مصور (رنگی).
: بهنشر (انتشارات استان قدس رضوی)؛ ۱۳۴۳.
: ۹۷۸-۹۶۴-۰-۲-۳۳۲۰-۸
: فیبا
: گروه سنی: ب، ج.
: علی بن موسی الله امام هشتم، ۱۵۳-۲۰۳ق. — شعر.
: شعر کودکان
: میرمحمدی، نیلوفر، ۱۳۴۸ — ، تصویرگر
: بهنشر (انتشارات استان قدس رضوی)، کتابهای پروانه
: ۱۳۹۴۲۹۷/۹۵۷ ک ۹۳۳۲
: ۳۸۹۲۶۵۶



۱۳۴۳

کبوترها و آهوها

شاعر: سیداحمد میرزاده
تصویرگر: نیلوفر میرمحمدی
نویت و سال چاپ: ششم ۱۳۹۷
قطع: رحلی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / مجموع شمارگان چاپ شده قبلی: ۶۰۰۰ نسخه
چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات استان قدس رضوی
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰-۲-۳۳۲۰-۸
قیمت: ۱۵۰,۰۰۰ ریال
حق چاپ محفوظ است.

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار سجاد، خیابان میلاد، ص. پ. ۹۱۳۷۵/۴۹۶۹ * تلفن و دورنگار ۰۸۸۹۶۰۴۶۶



نشانی اینترنتی: Publishing@behnashr.com * www.Behnashr.com پست الکترونیکی:

این کتاب، پیش از این ۳ نوبت در قطع رقیعی به چاپ رسیده و مجموع شمارگان قبلی آن، ۱۷۰۰ نسخه است.





تقدیم به تو
ای امام کبوترها و آهوها
ای امید گنجشکهای بی پناه
ای قبله دلها
تقدیم به تو
به خاک پای تو



شناسنامه حضرت امام رضا علیه السلام:

نام: علی

لقب: رضا

کنیه: ابوالحسن

تاریخ تولد: ۱۱ ذی القعده سال ۱۴۸ هجری قمری

محل تولد: مدینه

نام پدر: موسی (امام موسی کاظم علیه السلام)

نام مادر: نجمہ

تاریخ شهادت: آخر صفر سال ۲۰۳ هجری قمری

محل شهادت: روستای سناباد

سال شمار زندگی امام رضا علیه السلام بر اساس تاریخ هجری قمری:

۱۴۸: تولد امام رضا علیه السلام

۱۷۹: زندانی شدن امام موسی کاظم علیه السلام به دستور هارون

۱۸۳: شهادت امام کاظم علیه السلام در زندان بغداد و آغاز امامت حضرت رضا علیه السلام

۲۰۰: هجرت تحمیلی امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو

۲۰۱: تحمیل ولایت عهدی به امام رضا علیه السلام از سوی مامون

۲۰۳: شهادت امام رضا علیه السلام



فهرست شعرها

۶-۷	در دل این سیزه‌ها
۸-۹	خنده کودک
۱۰-۱۱	مثل یک سلام
۱۲-۱۳	سفر
۱۴-۱۵	عطر آن دستها
۱۶-۱۷	نهال بادام
۱۸-۱۹	خورشید بود و می درخشید
۲۰-۲۱	بوی زهر
۲۲-۲۳	کبوترهای گند
۲۴-۲۵	بوی گلاب
۲۶-۲۷	زائر
۲۸-۲۹	کوهی که این جا ایستاده
۳۰-۳۱	کبوترها و آهوها
۳۲	فهرست منابع



◆ در دل این سبزه‌ها ◆

من در این صحرای سبز
مثل آهو می‌دوم
شادمان و بی‌قرار
در پی او می‌دوم

در دل این سبزه‌ها
عطر او پیچیده است
پای او را بارها
این زمین، بوسیده است

می‌تپد با یاد او
قلب این صحرای سبز
او از اینجا رد شده
از همین صحرای سبز

تا ابد از شوق اوست
سینه هر غنچه، سرخ
از صفاتی روی اوست
هرچه سبز و هرچه سرخ

مثل آهو می‌دوم
آه، اما او کجاست؟
در پی او می‌دوم
ضامن آهو کجاست؟



۱۰۰



◆ خنده کودک ◆

برای شب تولد امام رضا علیه السلام



لبان کودک

به خنده وا شد

اتاق کوچک

پُر از صفا شد

امام کاظم

تبسمی کرد

فرشته ها را

به خنده آورد

در آسمان هم

ستاره خندید

امام کاظم

دوباره خندید



سازمان اسناد و کتابخانه ملی







◆ مثل یک سلام ◆

نجمه، پاک و مهربان
مثل یک فرشته بود
در دلش خدای خوب
آیه‌ای نوشته بود

آیه‌ای که معنی اش
آفتاب و نور بود
از دل زلال او
شب، همیشه دور بود

او خودش ستاره بود
مثل اسم کوچکش
چون که نور می‌گرفت
از نگاهِ کودکش

کودکش برای او
مثل یک سلام بود
خوش به حال نجمه، چون
مادرِ امام بود



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



سفر

برای روز حرکت امام رضا^{علیه السلام} از مدینه به خراسان



با صدایی خسته گفت:
ناگزیرم از سفر
می‌روم از پیشتن
برنمی‌گردم دگر

تا سَحَر از این خَبَر
شهر غمگین گریه کرد
باغِ دلها غرق شد
در مِهِ انبوه درد

حال، دارد کاروان
از مدینه می‌رود
آه! فردا جاده‌ها
نورباران می‌شود...





◆ عطر آن دستها ◆

بادها گرم و سوزان
ریگها داغ و تبدار
کاروان داشت می‌رفت
در کویری پُر از خار

مثل بیمار می‌سوخت
روستا در تبِ خود
شد به نرمی پیاده
مردی از مرکبِ خود

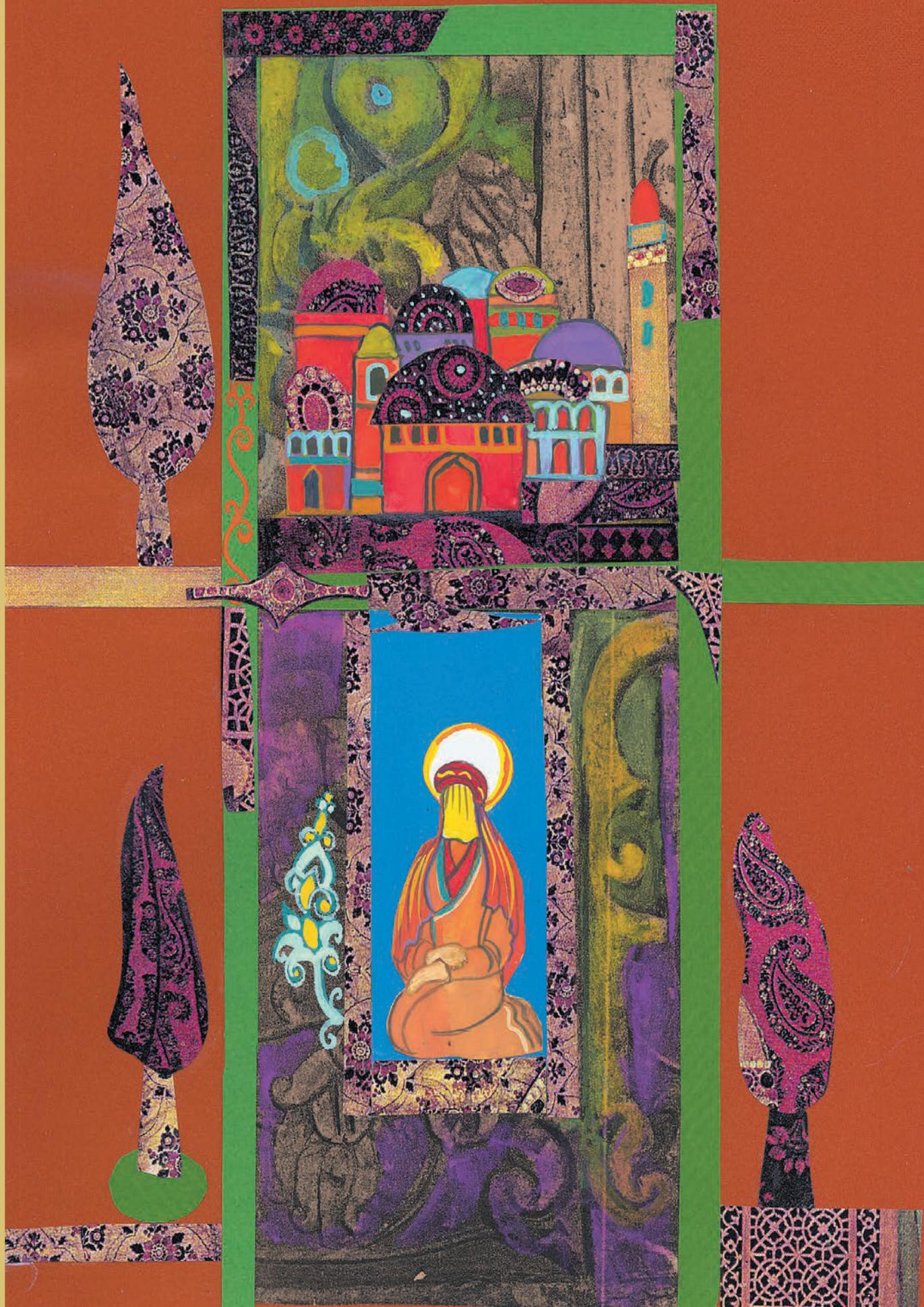
ظرف نزدیک می‌شد
باز، وقتِ اذان بود
روستای «ده سرخ»
منزل کاروان بود

قدرتی از خاک برداشت
برد نام خدا را
خاک، با شوق نوشید
عطر آن دستها را

خشکسالی در آن ده
داشت بیداد می‌کرد
تشنگی بود و آتش
خاک، فریاد می‌کرد

ناگهان چشمهاي سرد
از دلِ خاک جوشید
عطرِ دستِ رضا بود
آنچه را خاک نوشید.





◆ نهال بادام

می آمد و عطر سلامش
بوی گل گیلاس می داد
دستان او بوی شکوفه
بوی بهار و یاس می داد

مردم هجوم آورده بودند
تا دستهاش را ببوسند
یک لحظه رویش را ببینند
بال عیاش را ببوسند

در بین آن جمعیت اما
او آمد و مهمان من شد
او آمد و این خانه آن روز
لبریز عطر یاسمن شد

چشمان زیبای نجیش
رنگ زلال دوستی داشت
او یک نهال سبز بادام
در گوشه‌ای از خانه ام کاشت



او رفته، اما خانه من
از عطر و بویش گشته لبریز
این نونهال سبز شاداب
هرگز نگیرد بوی پاییز^۱

۱. هنگامی که حضرت رضاعلیه السلام به شهر نیشابور وارد شدند، مردم از همه سو دور ایشان را گرفته بودند و آن حضرت را به خانه خود دعوت می کردند. حضرت، دعوت پیروزی کهنسال به نام «پستنده» را پذیرفتند و به خانه او رفتد. این شعر از زبان این بانوی پرهیزگار گفته شده است.



◆ خورشید بود و می درخشید ◆



در سال سخت خشکسالی
در سال اندوه بیابان
وقتی دعا کرد از ته دل،
از آسمان بارید باران

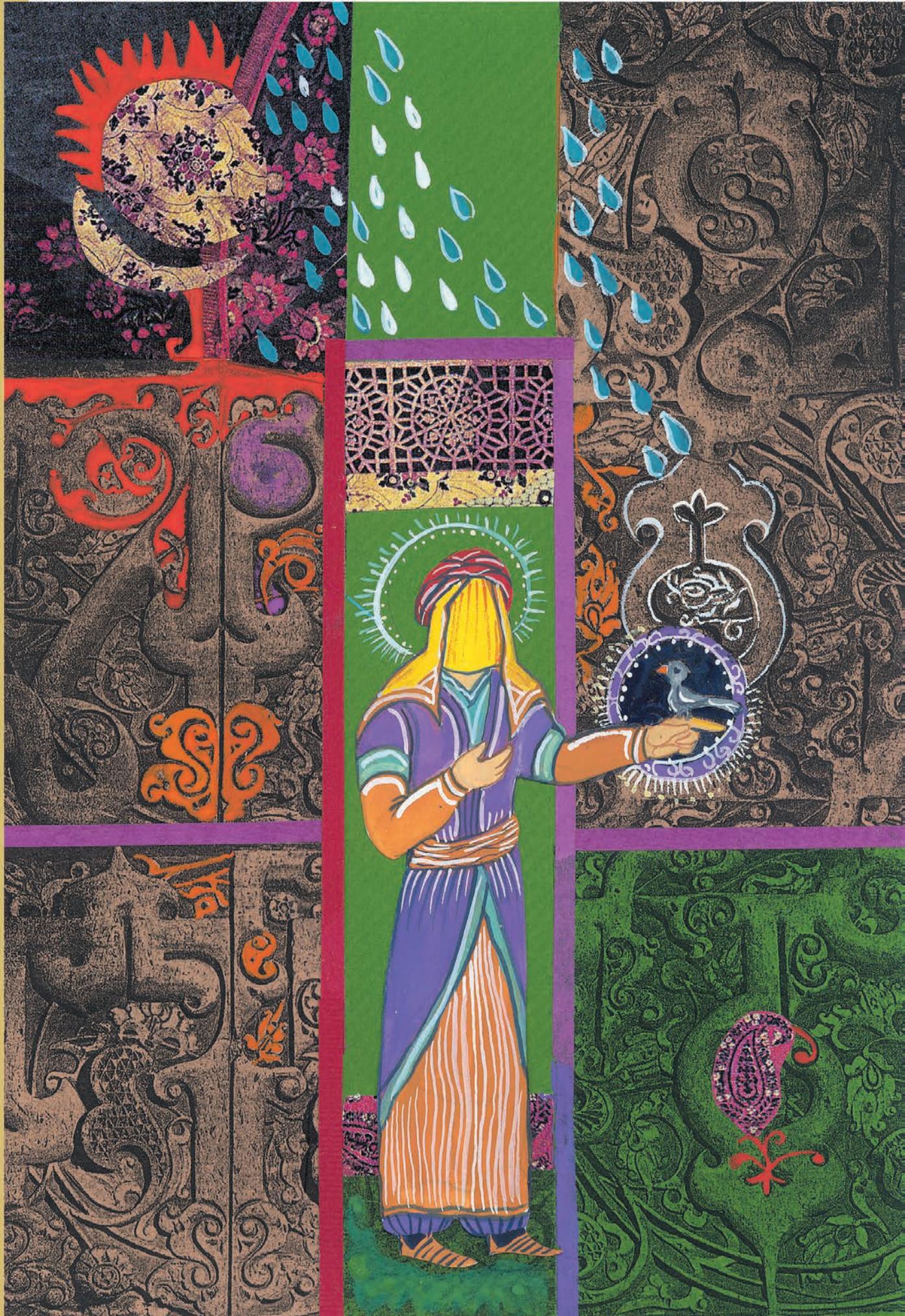
او غنچه‌ها را دوست می داشت
با بچه آهو مهربان بود
هم حرف گل را درک می کرد
هم با پرنده هم زبان بود

یک روز وقتی بچه گنجشک
از ترس مار، او را صدا کرد
با مهربانی رفت نزدیک
گنجشک کوچک را رها کرد

از کوچه‌های شهر غمگین
رد می شد و لبخند می زد
رد می شد و با قلب گلها
خورشید را پیوند می زد

او روز و شب در باع دلها
مهر و نشاط و روشنی کاشت
خورشید بود و می درخشید
خفاش با او دشمنی داشت.





◆ بوی زهر ◆



روزی که تو را شهید کردند
لبخندِ تو بوی قهر می‌داد
دستت پُر مهر بود اما
انگورِ تو بوی زهر می‌داد

روزی که تو را شهید کردند
قلبِ گل سرخ پُر شد از خون
یک خندهٔ زهردار رویید
بر چهرهٔ پُر گناهِ مامون

از سینهٔ خاکِ سرد، آن روز
گلهای سیاهِ غم، دمیدند
در دشت، هزار بچه آهو
آشفته به هر طرف دویدند

بر قامتِ تو فرشته‌ها، زود
یک پیرهن سپید کردند
رفتی و زمین سیاه پوشید
روزی که تو را شهید کردند







◆ کبوترهای گنبد

از آن سقفِ طلایی
از آن بالای گنبد
به شادی پرکشیدند
کبوترهای گنبد

کبوترهای یکدل
کبوترهای همراه
چه لذتی خش و خوب است
همین پروازِ کوتاه

دوباره می‌نشینند
همه بالای گنبد
و مهمانِ امامند
کبوترهای گنبد

کبوترهای آزاد
کبوترهای خوشحال
چه پرواز قشنگی
چه آرام و سبکبال

به زیر بالهاشان
تمام شهر پیداست
چه شهری! شهر مشهد
امام هشتم این جاست





◆ بوی گلاب ◆

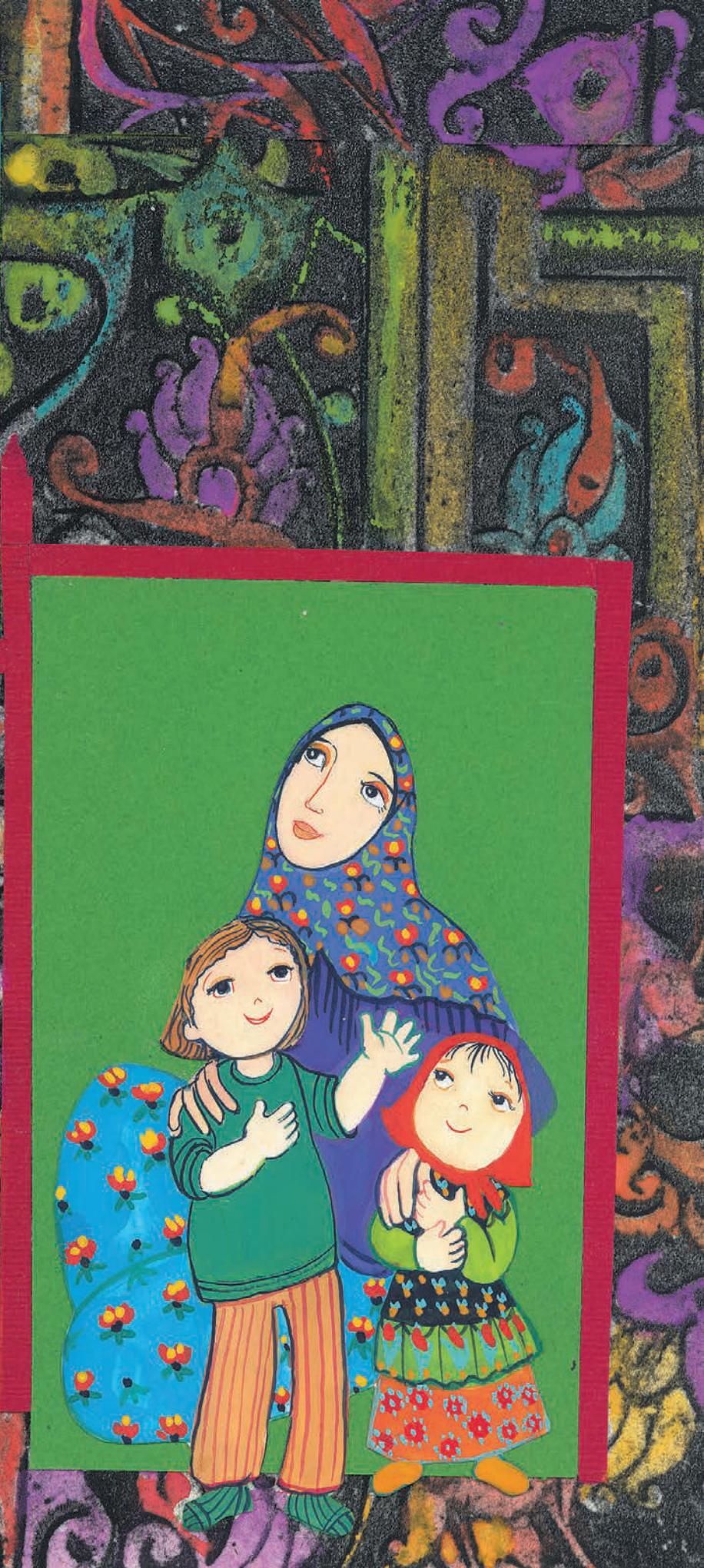
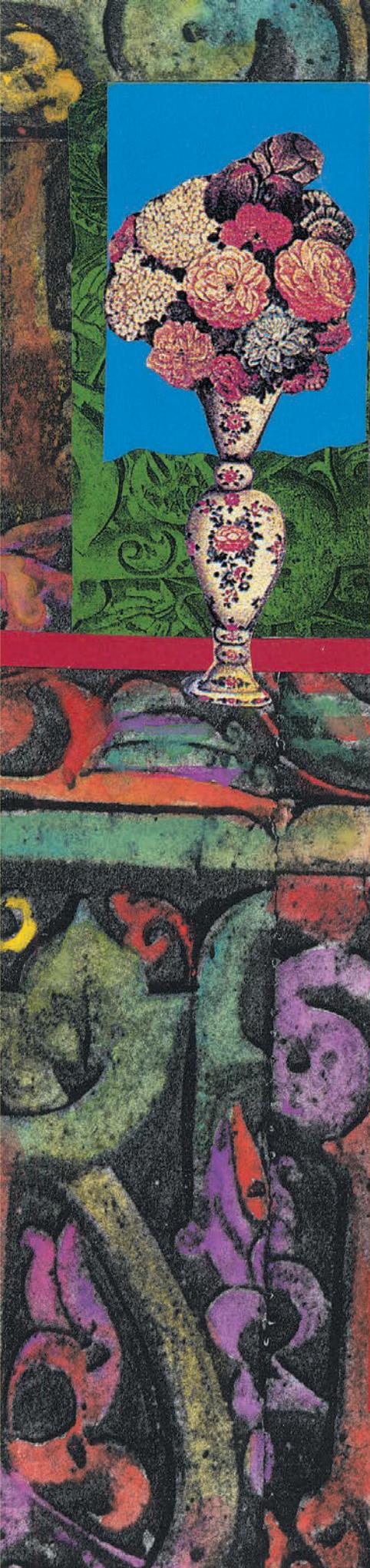
بوی عطر و گلاب می آید
چون که بابا به خانه برگشته
او که از صبح رفته بود حرم
باز حالا به خانه برگشته

باز بر باعِ چهره مادر
گل زیبایِ خنده می روید
به پدر می کند سلامی گرم
و «زیارت قبول» می گوید



در نگاه پدر گلاب صفا
در دلش نورِ پاکِ آینه هاست
خوش به حالش همیشه در حرم است
پدرم خادمِ امامِ رضا است.







◆ زائر ◆

دلم یک بَرَه آهُوی نجِیب است
که از مهر و نوازش بَی نصیب است
به سویت آمده، تنها و خسته
دلم ای ضامن آهو، غریب است

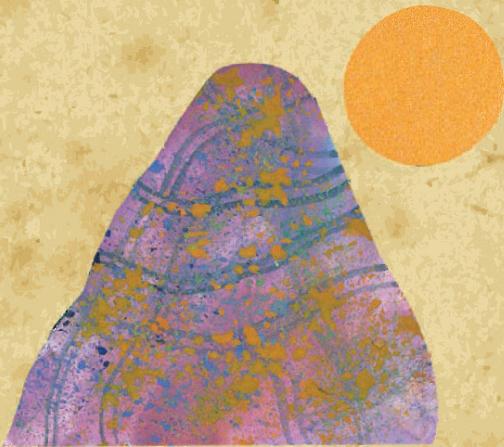


لَهْلَهْ لَهْلَهْ لَهْلَهْ



◆ کوهی که اینجا ایستاده

اینجا، چه جای باصفایی است
تفریحگاه ما همین جاست
مخصوصاً الان که بهار است
این پارک، خیلی سبز و زیباست



نزدیک ما کوهی بلند است
کوهی که اسمش «کوهسنگی» است
حتماً شکاف سنگهاش
الآن پُر از گلهای رنگی است

در چشم ما خیلی عزیز است
کوهی که اینجا ایستاده
زیرا امام هشتم ما
یک روز بر آن تکیه داده



زیر درختی می‌کند پهنه
بابا گلیم کهنه‌مان را
می‌آورد از ساک، بیرون
مادر فلاسک و قندان را

من دوست دارم توی این پارک
بازی کنم خوشحال و خندان
هنگام بازی با بهاره
قایم شوم پشتِ درختان

غیر از درخت و سبزه و گل
استخر پُرآبی هم این جاست
خیلی بزرگ و باشکوه است
مانند یک دریاچه زیباست



◆ کبوترها و آهوها ◆

دلم مثل کبوترها
سحر در آسمان پیداست
دل من لانه‌ای دارد
که توی چاه یک صحراست



دلم مانند آهوها
به سوی دشتها رفته
و الان من نمی‌دانم
دل من تا کجا رفته

به دنبال کسی هستند
کبوترها و آهوها
به دنبال همان مردی
که روزی رد شد از صحراء

کبوترها و آهوها
پُر از بوی خدا هستند
همیشه توی صحراء
به دنبال رضا هستند



ل

ل

ل

ل

ل





منابع

ابن بابویه، عيون اخبار الرّضا
ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب
امین، سید محسن، اعيان الشیعه
خرسروی، موسی، زندگانی امام هشتم علی ابن موسی الرضا علیہ السلام
عرفان منش، جلیل، جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا علیہ السلام از مدینه تا مرو
کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی
مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار
محمدی اشتهرادی، محمد، نگاهی بر زندگانی امام رضا علیہ السلام

